

## طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی شهرستان خاش

یاسمن نصیری پور<sup>۱\*</sup>، زهره جوزی<sup>۲</sup>، محمد کیخا<sup>۳</sup>، سحر بختیاری<sup>۴</sup>

### چکیده

سرزمین بلوچستان تنوع جغرافیایی و فرهنگی خاصی دارد. موقعیت ویژه جغرافیایی آن به‌عنوان دروازه و گذرگاه طبیعی شبه قاره هند از دیرباز نگاه‌ها را به‌سوی خود جلب کرده است. تاکنون به‌صورت جدی در مورد سفال‌های مکشوفه از بررسی باستان‌شناسی شهرستان خاش پژوهشی انجام نگرفته است و سفال‌های این منطقه، به‌طور کامل و جامع معرفی نشده‌اند. از این رو در پژوهش حاضر سعی بر این است تا سفال‌های مکشوفه از بررسی باستان‌شناسی شهرستان خاش در سال ۱۳۸۸ گونه‌شناسی شود تا بدین‌وسیله شاخصه‌های سفال‌اشکانی این منطقه تا حد ممکن مشخص گردد. از این رو نگارندگان در این پژوهش سعی دارند تا با مطالعه توصیفی-تحلیلی یافته‌های سفالی ابتدا به گاه‌نگاری نسبی محوطه‌های دوره اشکانی بخش شمالی بلوچستان (شهرستان خاش) بپردازند، سپس به درک چگونگی این ارتباطات با مناطق همجوار پی ببرند. برای دستیابی به اهداف مذکور و پی بردن به روند تغییرات فرهنگی آن در دوره اشکانی، پرسش‌های ذیل مطرح شد: ۱. تزئین غالب سفال‌اشکانی شهرستان خاش به چه صورت است؟ ۲. تعاملات فرهنگی درون و برون منطقه‌ای این حوزه بر اساس نتایج گونه‌شناختی سفال‌ها چگونه بوده است؟ نتایج حاصل از گونه‌شناختی نشانگر آن است که تزئین غالب سفال‌اشکانی در شهرستان خاش از نوع نقاشی است و همچنین در طول دوره اشکانی این حوزه با مناطق بلوچستان جنوبی، سیستان، کرمان، خراسان بزرگ، برخی مناطق حوزه خلیج فارس و دریای عمان، افغانستان و پاکستان ارتباط فرهنگی داشته است؛ در نتیجه با انجام مقایسه گونه‌شناختی سفال‌ها وضعیت نسبتاً روشنی از صنعت سفالگری شهرستان خاش در دوره اشکانی و ارتباطات فرهنگی درون و برون منطقه‌ای محوطه‌های این شهرستان آشکار شد.

**واژه‌های کلیدی:** بلوچستان شمالی (شهرستان خاش)، سفال دوره‌ی اشکانی، گونه‌شناسی، مقایسه گونه‌شناختی

**ارجاع:** جوزی ز.، نصیری پور ی.، کیخا م.، بختیاری س.، ۱۳۹۹. طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی شهرستان خاش، ۵ (۲): ۷۷-۹۲.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

\* نویسنده مسئول: [Nasiripour2016@gmail.com](mailto:Nasiripour2016@gmail.com)

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۴- دانش‌آموخته دکترا باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷

## مقدمه

گذروری یا گذروزی، یکی از ساتراپی‌های شرقی هخامنشی محسوب می‌شد (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۰۳)، که هم‌اکنون به آن بلوچستان گفته می‌شود. بلوچستان سرزمینی است که از لحاظ محیط طبیعی و جغرافیایی دارای تنوع و شرایط سختی است. اقوامی که در طول هزاره‌ها در این سرزمین می‌زیستند، خود را با شرایط بسیار دشوار محیط جغرافیایی منطقه وفق می‌دادند. بشر از دیرباز در قسمت‌های مختلف این منطقه سکونت داشته است، یکی از این دوره‌ها مربوط به دوره‌ی تاریخی اشکانیان است. بر این اساس، شاهد وجود محوطه‌ها و قبور سنگ‌چین (قبور دمبی) فراوان از دوره اشکانی همراه با داده‌های فرهنگی در این سرزمین هستیم که نشان از رونق منطقه بلوچستان در دوره اشکانی است. از مهم‌ترین محوطه‌های بلوچستان که دارای سفال‌هایی از دوره اشکانی است می‌توان به محوطه‌های دمب‌کوه، هزارمردی، هیتان، تمب دمبان، دمبیگان و تورهیت اشاره کرد (مرادی و سرحدی دادیان: ۱۳۸۷) (شیرازی: ۱۳۸۸) (جوزی، ۱۳۹۸).

شهرستان خاش تقریباً در مرکز استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. با توجه به اهمیت منطقه خاش این منطقه طی یک مرحله از سوی آقایان نوذر حیدری و علیرضا قادری در سال ۱۳۸۸ مورد بررسی باستان‌شناسی - به‌منظور شناسایی و ثبت آثار - قرار گرفت. نتیجه این بررسی شناسایی تعداد زیاد محوطه‌های باستانی از ادوار مختلف پیش از تاریخ (به‌ندرت)، تاریخی و اسلامی بود؛ طبق بررسی اولیه نگارندگان ۵۴۰ قطعه سفال را که به لحاظ فرم و شکل ظاهری منسوب به دوره اشکانی پنداشته می‌شدند را انتخاب و تعداد ۲۲۰ قطعه سفال شاخص از آن‌ها را، طبقه‌بندی و مطالعه کردند. در راستای شناخت بهتر و دقیق‌تر سفال دوران اشکانی شهرستان خاش مطالعه و بررسی دقیق این مواد فرهنگی لازم بود. در این پژوهش هدف آن است تا با ثبت و ضبط نمونه‌های سفالین جمع‌آوری‌شده از سطح محوطه‌های منسوب به دوره‌ی اشکانی شهرستان خاش موجود در مخزن موزه منطقه‌ای جنوب شرق، نسبت به طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه گونه‌شناختی آن‌ها اقدام شود، همچنین این پژوهش سعی دارد تا با مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های اشکانی شهرستان خاش با مناطق پیرامون، برهمکنش‌های فرهنگی خاش با مناطق همجوار در دوره‌ی اشکانی را تا

حد امکان مشخص کند تا با تکیه بر این هدف بتوان به توضیح و تبیین ارتباطات احتمالی نائل آمد.

### پیشینه تحقیقات باستان‌شناسی در بلوچستان شمالی (شهرستان خاش)

پژوهش‌های باستان‌شناسی بلوچستان به نسبت سایر مناطق ایران از نظر زمان و همچنین میزان مطالعات عقب‌تر است. این منطقه از ایران در یک دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته و می‌توان گفت پس از وقفه مطالعاتی مجدداً پس از انقلاب، باستان‌شناسان ایرانی پژوهش‌های منطقه را از سر گرفتند. از مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه فرهنگی (شهرستان خاش)، می‌توان به بررسی انجام شده از سوی جودیت ماروچک اشاره کرد که از اواخر آوریل تا سپتامبر ۱۹۷۵م. صورت گرفته است (Maruchek, 1975: 272-284)، اما پس از انقلاب، می‌توان به بررسی باستان‌شناختی آقایان قادری و حیدری در سال ۱۳۸۸ که جهت تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور صورت پذیرفته اشاره کرد. آخرین فعالیت صورت گرفته، بررسی استقرارهای اطراف کوه پنج انگشتی این منطقه تحت نظر پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی کشور که از سوی سرکار خانم موسی‌پور نگاری در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

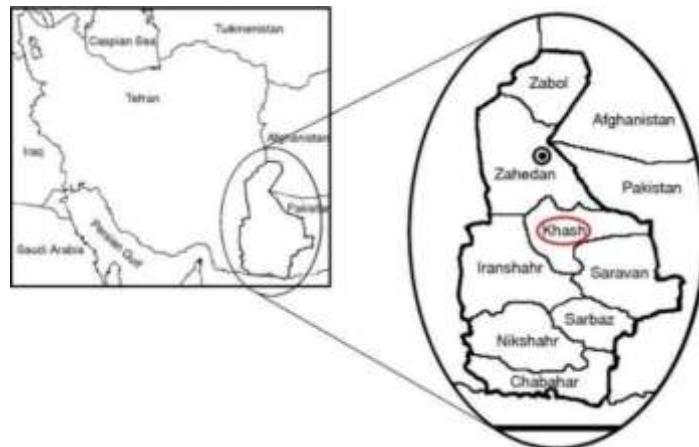
### روش‌شناسی

در این پژوهش ابتدا ویژگی‌های فنی نمونه‌های سفالین مطالعه شد. سپس طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه گونه‌شناختی آن‌ها انجام شد، همچنین تحلیل نتایج و گزارش‌های آماری به‌دست آمده از مقایسات گونه‌شناختی به تفصیل آورده شد و طرح نمونه‌های مقایسه شده به‌همراه نمونه‌های مرجع در جدولی گویا تنظیم گردید.

### اهداف و ضرورت تحقیق

در این پژوهش هدف بر آن است تا با ثبت و ضبط نمونه‌های سفالین جمع‌آوری‌شده از سطح محوطه‌های منسوب به دوران اشکانی شهرستان خاش موجود در مخزن موزه منطقه‌ای جنوب شرق، نسبت به طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه گونه‌شناختی آن‌ها اقدام شود، همچنین این پژوهش سعی دارد تا با مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های اشکانی شهرستان خاش با مناطق پیرامون، برهمکنش‌های

(لسترنج، ۱۳۸۶: ۳۴۶). سرزمینی که امروزه در ایران به نام بلوچستان و در کشور پاکستان به نام ایالت بلوچستان (یکی از چهار ایالت آن کشور) نامیده می‌شود، در روزگاران گذشته به‌عنوان یک ناحیه واحد جغرافیایی شناخته می‌شده است. در دوره‌ی باستان جزء دورافتاده‌ای از امپراتوری هخامنشیان بوده که نام آن در کتیبه‌های میخی آن دوران (در بیستون) به‌صورت مکا (Maka) به‌جای مانده است (ملک رئیسی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). به روزگار ساسانیان، شمال این سرزمین «گدروزیا» و جنوب آن «مکران» نام گرفت (بارتولد، ۲۰۳: ۱۳۰۸). بلندترین نقطه بلوچستان، شهرستان خاش با بلندی ۱ هزار و ۴۲۰ متر و پست‌ترین نقطه آن، کناره‌های دریای مکران است (افشار سیستانی، ۱۳۹۰: ۷).



شکل ۱- موقعیت استان سیستان و بلوچستان در تقسیمات استانی کشور با تأکید بر شهرستان خاش، (www.gsi.ir)

**ویژگی‌های فنی سفال اشکانی حوزه شهرستان خاش**  
در بررسی باستان‌شناسی شهرستان خاش ۴۵ محوطه دارای سفال‌های منسوب به دوره اشکانی شناسایی شد (حیدری و قادری، ۱۳۸۸)، از این محوطه‌ها تعداد ۵۴۰ قطعه سفال به‌دست آمد که مورد مطالعه آماری قرار گرفت. کم یا زیاد بودن تعداد داده‌های سفالین در یک محوطه خود به عوامل متعددی بستگی دارد که می‌توان به اندازه‌ی محوطه، نوع بافت استقرارها، قرارگیری در مسیرهای کوچ‌روی، فرسایش و عوامل طبیعی مانند باد و سیل اشاره کرد. جدول ۱ نشان‌گر پراکندگی تعداد قطعات سفالین در محوطه‌های دوران اشکانی شهرستان خاش است.

فرهنگی شهرستان خاش با مناطق همجوار در دوره‌ی اشکانی را تا حد امکان مشخص کند تا با تکیه بر این هدف بتوان به توضیح و تبیین ارتباطات احتمالی نائل آمد.

### موقعیت جغرافیایی بلوچستان با تأکید بر شهرستان خاش

استان سیستان و بلوچستان، با پهنه‌ای حدود ۱۸۱ هزار و ۷۵۸ هزار کیلومترمربع، در جنوب خاوری ایران قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷: ۵۴). از مجموع این گستره ۱۷۹۳۸۵ کیلومتر مربع متعلق به بلوچستان و ۸۱۱۷ کیلومتر مربع دیگر به سیستان مربوط می‌شود (نجار سلیقه، ۱۳۸۵: ۲۵) (شکل ۱). بلوچستان امروزه از شمال به سیستان و افغانستان، از شرق به پاکستان، از جنوب به دریای مکران و از غرب با استان کرمان در ارتباط است

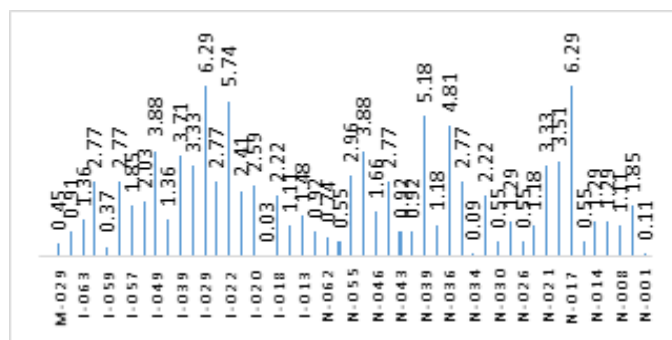
شهرستان خاش در مرز جغرافیایی بین منطقه گرمسیر و سردسیر استان واقع شده است که این منطقه سرحد نامیده می‌شود (برقعی، ۱۳۵۶: ۴). مساحت آن ۲۳۱۰۵ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۰۰ متر است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۱۹۵). این شهرستان از شمال و شمال غرب به شهرستان زاهدان، از سمت شمال شرقی و شرق به کشور پاکستان، از جنوب و جنوب‌شرقی به شهرستان سراوان و از جنوب غربی و غرب به شهرستان ایرانشهر محدود شده است (طرح جامع شهر خاش (مطالعات منطقه و حوزه نفوذ)، ۱۳۸۷: ۳) و بین طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۶۲ درجه و ۴۷ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۷ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی واقع شده است (افشارسیستانی، ۱۳۶۳: ۳۶۷).

جدول ۱- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس تعداد قطعه در هر محوطه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

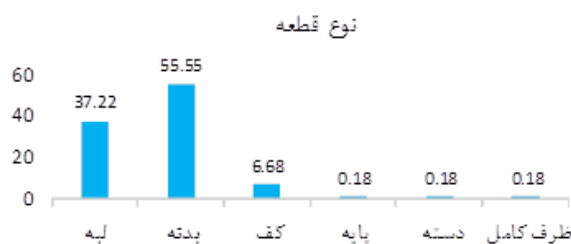
نام مکان	Gps	تعداد	درصد	نام محوطه	Gps	تعداد	درصد
محوطه کهنه خلا	KH-N-001	۵	۰/۱۱	محوطه ده پایید	KH-N-059	۳	۰/۵۵
قبرستان گروک	KH-N-004	۱۰	۱/۸۵	قبرستان نازیل	KH-N-071	۴	۰/۷۴
قلعه تمندان	KH-N-008	۶	۱/۱۱	محوطه کفتاری	KH-N-074	۵	۰/۹۲
گورستان ماشین	KH-N-012	۷	۱/۲۹	قبرستان نراب	KH-I-015	۶	۱/۱۱
قبرستان خانگ	KH-N-012	۷	۱/۲۹	محوطه کریچی	KH-I-017	۱۲	۲/۲۲
محوطه پت کوکي	KH-N-015	۳	۰/۵۵	قبرستان نراب ۲	KH-I-019	۲	۰/۰۳
محوطه چک گرگان	KH-N-017	۳۴	۶/۲۹	محوطه گمن	KH-I-020	۱۴	۲/۵۹
قبرستان خلیل- آباد	KH-N-019	۱۹	۳/۵۱	قبرستان زیان	KH-I-021	۱۳	۲/۴۱
قلعه دودر	KH-N-021	۱۸	۳/۳۳	قبرستان دمبی	KH-I-022	۳۱	۵/۷۴
قلعه کلنگور	KH-N-022	۱	۱/۱۸	محوطه شورگ	KH-I-028	۱۵	۲/۷۷
محوطه تخت	KH-N-026	۳	۰/۵۵	محوطه هوش کوشی	KH-I-029	۳۴	۶/۲۹
محوطه ماریشان	KH-N-029	۷	۱/۲۹	محوطه دره نیلان	KH-I-038	۱۸	۳/۳۳
محوطه کوته الف	KH-N-030	۳	۰/۵۵	تپه عیدگاه	KH-I-039	۲۰	۳/۷۱
محوطه کوته ب	KH-N-031	۱۲	۲/۲۲	قبرستان گنز	KH-I-048	۳	۱/۳۶
محوطه سرچشمه	KH-N-034	۵	۰/۰۹	محوطه چمک- زرخاتون	KH-I-049	۲۱	۳/۸۸
قبرستان سرچشمه	KH-N-035	۱۵	۲/۷۷	قبرستان زنده گر	KH-I-059	۲	۰/۳۷
محوطه خلایس- آباد	KH-N-036	۲۶	۴/۸۱	محوطه پستاگ	KH-I-056	۱۱	۲/۰۳
محوطه شاه‌توت	KH-N-037	۱	۱/۱۸	محوطه کهورک	KH-I-057	۱۰	۱/۸۵
محوطه دره پیشی	KH-N-039	۲۸	۵/۱۸	محوطه مرتناک	KH-I-058	۱۵	۲/۷۷
محوطه پدگی	KH-N-042	۵	۰/۹۲	گورستان قبرموسی	KH-I-062	۱۵	۲/۷۷
محوطه گروک بالا	KH-N-043	۵	۰/۹۲	مارندگان	KH-I-063	۳	۱/۳۶
محوطه شهسواران الف	KH-N-045	۱۵	۲/۷۷	محوطه حاجی آباد	KH-M-006	۲	۰/۹۰
محوطه شهسواران ب	KH-N-046	۹	۱/۶۶	محوطه چشمه رئبسی	KH-M-029	۱	۰/۴۵
محوطه سرتل	KH-N-047	۲۱	۳/۸۸	جمع کل		۵۴۰	۱۰۰
محوطه خواجه سیلموند	KH-N-055	۱۶	۲/۹۶				

خود اختصاص داده است (نمودار ۱). این قطعات سفالی در شش گروه لبه ۲۰۱ قطعه، بدنه ۳۰۰ قطعه، کف ۳۶ قطعه، پایه یک قطعه، دسته یک قطعه، ظرف کامل یک قطعه تقسیم می‌شوند (نمودار ۲). رنگ خمیره سفال، متغیر مهمی در شناخت گونه‌های سفالی است. بیشتر سفال‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ آجری (۱۱۷ قطعه) هستند و پس از آن خمیره نخودی (۶۶ قطعه)، خاکستری (۳ قطعه)، قهوه‌ای (۶ قطعه)، قرمز (۵ قطعه) را تشکیل می‌دهند (نمودار ۳). به لحاظ کیفیت ساخت در این متغیر سه گزینه برای توصیف و طبقه‌بندی تعریف شده است: ۱- ظریف (۳-۱ میلی‌متر)، ۲- متوسط (۴-۸ میلی‌متر)، ۳- زمخت (از ۹ میلی‌متر به بالا)، سفال‌های با کیفیت متوسط (۳۸۱ قطعه) بیشترین تعداد و سپس سفال‌های ظریف (۸۵ قطعه) و زمخت (۷۴ قطعه) قرار داشتند (نمودار ۴).

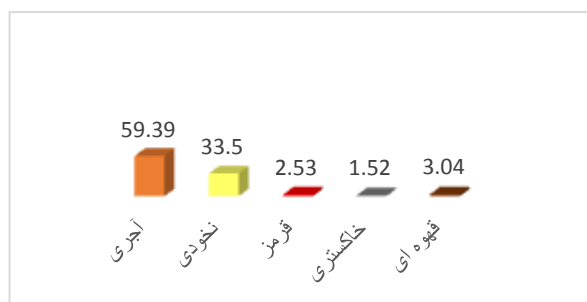
باستان‌شناسان به هنگام تهیه گزارش پژوهشی، آثاری را که یافته‌اند دسته‌بندی می‌کنند و سپس بر اساس این دسته‌بندی‌ها به تاریخ‌گذاری آثار دست می‌زنند. طبقه‌بندی یکی از پایه‌های پژوهش‌های باستان‌شناسی است و باید به‌دقت در این زمینه توجه شود. به هنگام طبقه‌بندی داده‌های ملموس باستان‌شناختی از جمله سفال، باید تفاوت‌ها و همانندی‌های آن‌ها مشخص و به‌روشنی در گروه‌های گوناگونی که متمایز می‌گردد، مشهود باشد (دارک، ۱۳۷۹: ۹۶ و آذرنوش، ۱۳۷۷: ۷۶). بر اساس مطالعات انجام‌شده روی ۵۴۰ قطعه سفال آماری این حوزه نتایج زیر حاصل شد. از میان مجموعه نمونه‌های سفالین، محوطه‌های هوش‌کوشی و چک‌گران با ۳۴ قطعه بیشترین و محوطه‌های قلعه کلنگور، شاه‌توت و چشمه-رئسی هر کدام با یک قطعه، کمترین قطعات سفال را به



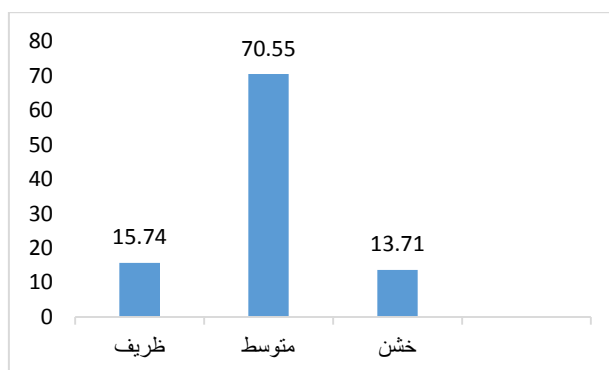
نمودار ۱- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس تعداد قطعه در هر مکان (نگارندگان، ۱۳۹۹)



نمودار ۲- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس نوع قطعه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



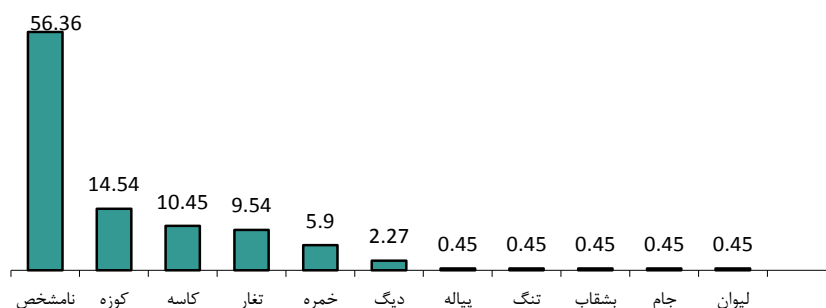
نمودار ۳- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس رنگ خمیره (نگارندگان، ۱۳۹۹)



نمودار ۴- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس کیفیت ساخت (نگارندگان، ۱۳۹۹)

به خارج برگشته)، پیاله، بشقاب، جام و لیوان می‌شود (نمودار ۵). طبق انجام مطالعات آماری بیشترین نوع فرم مشخص شده متعلق به کوزه‌ها با ۳۵ عدد، سپس کاسه‌ها با ۲۳ نمونه است. قطعات کف با اشکال متنوع در ۷ گروه تقسیم‌بندی شدند که عبارتند از: ۱- کف تخت ساده ۶ قطعه، ۲- کف تخت دیسکی شکل ۳ قطعه، ۳- کف مقعر ۲ قطعه، ۴- کف با پایه حلقوی ۲ قطعه، ۵- کف بسیار کوچک مسطح ۱ قطعه، ۶- کف ساده شکم‌دار مسطح ۱ قطعه، ۷- کف گرد و مسطح با پایه‌ی حلقوی ۱ قطعه می‌باشد.

فرم اغلب قطعات غیر قابل تشخیص بود که برای این نمونه‌ها گزینه‌ی نامشخص آورده شده است. طبقه‌بندی ظروف در ۱۰ گروه اصلی صورت گرفت که شامل کوزه (گردن‌دار و بدون گردن با بدنه محدب، دهانه باز و لبه صاف، مفتولی، مقعر، به خارج برگشته)، کاسه (بدنه زاویه‌دار و محدب با لبه ایستاده، به خارج برگشته)، تغار (لبه ساده)، خمره (گردن‌دار و بدون گردن با بدنه محدب، دهانه بسته و لبه صاف، گرد، به خارج برگشته)، دیگ (بدنه کشیده یا محدب با لبه تخت یا به خارج برگشته)، تنگ (با دهانه باز، بدنه محدب یا زاویه‌دار با لبه ایستاده یا



نمودار ۵- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس فرم ظروف (نگارندگان، ۱۳۹۹)

(نوار سیاه افقی، خطوط عمودی و افقی، خطوط عمودی و افقی متقاطع، خط افقی و موج، خطوط موازی با ردیف مثلث‌ها، نردبانی، شطرنجی، مثلث‌های شطرنجی، مثلثی، ماریچ). بیشترین نقش روی سفالینه‌ها از نوع نوار سیاه افقی است (نمودار ۸). همچنین نقوش کنده شامل: موازی، موج، موازی و موج، زنجیری، شانه‌ای، شیاردار، حصیری و مدور هستند که بیشترین نقش به صورت موازی مشاهده شد (نمودار ۹).

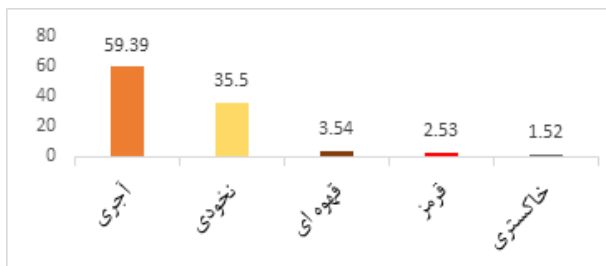
قطعات مزین نیز طبق متغیر تزئین و شکل (فرم) گونه‌شناسی شده‌اند. سفال‌های ساده ۱۵۵ قطعه و سفال‌های مزین ۶۵ قطعه سفال‌ها را تشکیل می‌دهند (نمودار ۶). از بین نوع تزئین سفال منقوش با (۳۰ قطعه) فراوانی بیشترین گروه را به خود تخصیص داده است و پس از آن سفال با نقش کنده (۲۴ قطعه) و سفال داغ‌دار (۱۱ قطعه) قرار دارد (نمودار ۷)؛ لذا تزئین غالب سفالینه‌های دوره‌ی اشکانی شهرستان خاش از نوع نقاشی است و نقش‌مایه - هندسی تنها نقش مورد استفاده است. نوع تزئین نقاشی

متداول بوده است (توحیدی، ۱۳۸۹: ۲۲)، همچنین ۱۱ قطعه از سفال‌ها با تزئین داغ‌دار از سفال‌های ساده متمایز شده‌اند. در خصوص جایگاه نقش، منظور این است که نقوش تزئینی در کدام یک از دو سطح درون یا بیرون قطعه سفال ایجاد شده است. تعدادی از قطعه سفال‌های منقوش در هر دو سطح درون و بیرون دارای نقش هستند در این‌گونه نمونه‌ها، عبارت «هر دو سطح» منظور می‌شود (نمودار ۱۰).



نمودار ۱۰- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس جایگاه نقش (نگارندگان، ۱۳۹۹)

طبق گونه‌شناسی سفال‌ها ۲۳ قطعه از سفال‌ها به گروه ساده تعلق دارند و ۱۹۷ قطعه دارای پوشش گلی رقیق به رنگ آجری، نخودی، قهوه‌ای، خاکستری و قرمز هستند. بیشترین رنگ پوشش گلی استفاده شده متعلق به رنگ آجری با ۴۳ قطعه سپس نخودی با ۲۹ قطعه است (نمودار ۱۱).



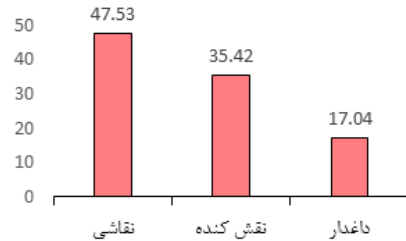
نمودار ۱۱- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس رنگ پوشش گلی (نگارندگان، ۱۳۹۹)

### مقایسه گونه‌شناختی

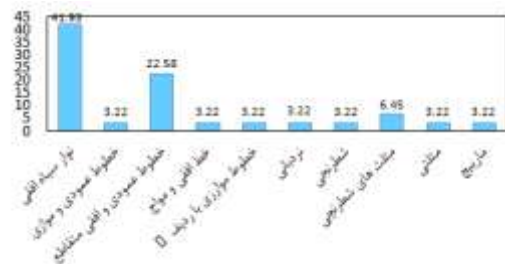
مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های اشکانی شهرستان خاش به منظور شناخت سفال غالب این منطقه، گاه‌نگاری سفال‌ها و همچنین مشخص کردن روابط فرهنگی این منطقه با مناطق هم‌جوار انجام شد. برای مقایسه گونه‌شناختی سفال‌ها از دو شاخص رایج؛ یعنی شکل (فرم) سفال‌ها (لبه



نمودار ۶- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس ساده یا دارای تزئین (نگارندگان، ۱۳۹۹)



نمودار ۷- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس نوع تزئین (نگارندگان، ۱۳۹۹)



نمودار ۸- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس نوع نقش (نگارندگان، ۱۳۹۹)




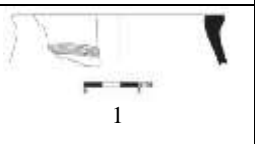

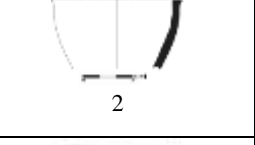

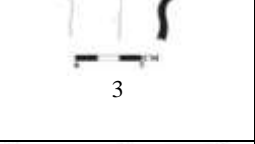

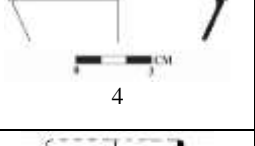

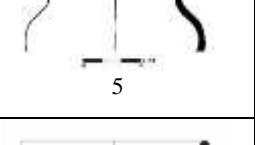

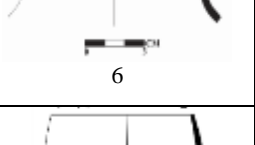
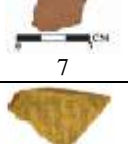
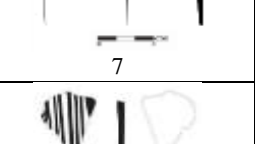

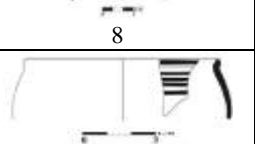


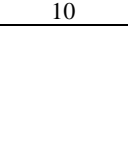
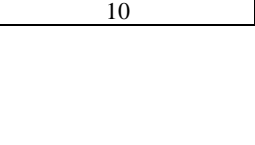
نمودار ۹- توزیع فراوانی داده‌ها بر اساس نوع تزئین‌کننده (نگارندگان، ۱۳۹۹)

نقوش داغ‌دار به‌عنوان روش تزئین سفال‌های خاکستری و سیاه در اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م در ایران رایج شده است (Burney, 1964). در این نوع تزئین با استفاده از ابزار مانند: استخوان، چوب و سنگ، ظروفی را که تازه درست کرده و در حال خشک شدن است، پرداخت می‌کنند. معمولاً هنگامی که ظرف روی چرخ سفالگری می‌چرخد، در اثر تماس با ابزار داغ‌دار شده و پس از پخته شدن، اثر داغ روی سفال به‌جا می‌ماند، سفال‌های داغ‌دار در سراسر هزاره‌ی چهارم ق.م تا دوره اسلامی در تمدن‌های مختلف

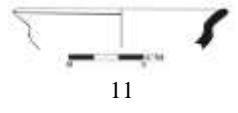

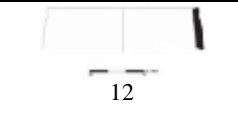







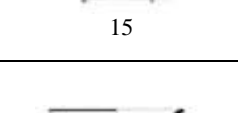

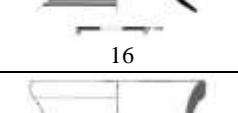
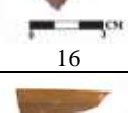
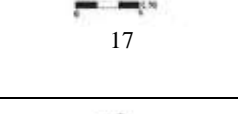







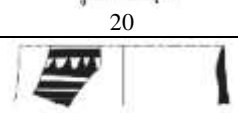


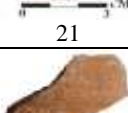
انجام شده است (جدول ۲) در ضمن یکی از قطعات منقوش در بین سفال‌ها نیز از نوع لوندو است، که از نمونه‌های شاخص دوران اشکانی در منطقه جنوب‌شرق از آن نام برده می‌شود (فرجامی، ۱۳۹۲).





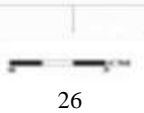



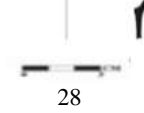

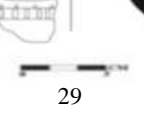

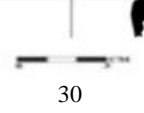

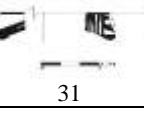

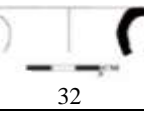

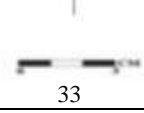

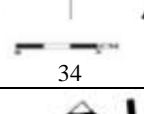



و کف) و آرایه‌ها (نقوش و تزئینات) استفاده شده است. این مطالعه در نمونه‌های سفالین فاقد تزئین با در نظر گرفتن ملاک‌های سنجشی به ترتیب اولویت: فرم لبه، کف، پایه، دسته و فرم ظروف و در نمونه‌های سفالین تزئین‌دار با ملاک سنجش: نوع تزئین و نوع نقش‌های به‌کار رفته،

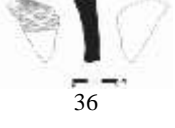

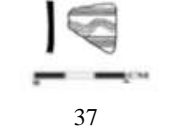

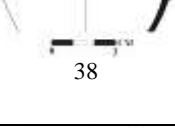

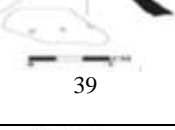

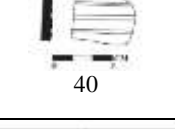

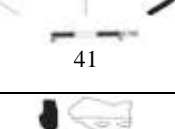
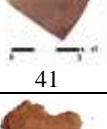
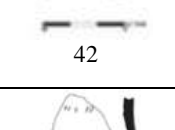
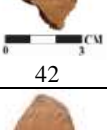
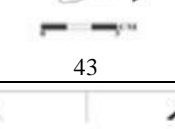


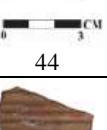
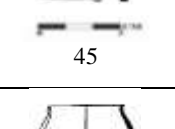

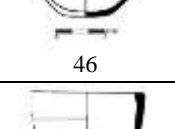

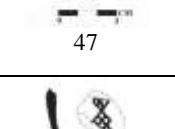
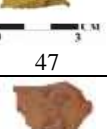
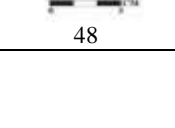
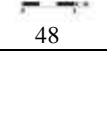
جدول ۲. مقایسه گونه‌شناسی سفال‌های شهرستان خاش (نگارندگان، ۱۳۹۹)







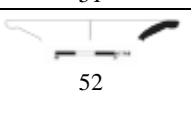



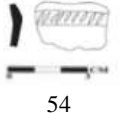



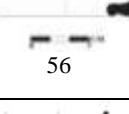

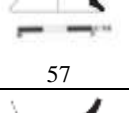

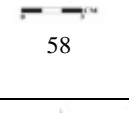

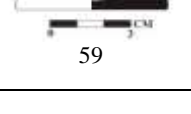



ردیف	قابل قیاس با	تصویر	طرح
1	1. Jasim, 2006, p: 224 fig 26: NO:8, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates 2. Mehrafarin & Musavihaji, 2011, P: 255, trench H.8: No.31, Tapa Gowri		
2	۱. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۸، شکل ۶، شماره ۵، کهولنگرچینی		
3	۱- مهرآفرین و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۸۵، شکل ۱۷، تپه گوری 2. Jasim, 2001, p:117, Fig.22: 2, Mleiha		
4	۱- علایی‌مقدم، ۱۳۹۴: ۹۶، شکل ۵-۱: ۱، قلعه کولک 2. Wheeler, 1962, P: 96, fig.44: 446, Charsada		
5	۱- خسروزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۰، شکل ۸، شماره ۱۲، بردسیر 2. Decardi, 1972, P: 53, Fig8: 12, Northern Oman 3. Wheeler, 1962, P:76, fig.33: 297, Charsada		
6	1. Sheikhakbari et al, 2015, P:25, Tabale 5: 1, Zeh-Klout 2. Jasim, 2006, P: 225, fig29: 4, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates		
7	۱. سید سجادی، ۱۳۷۰: ۳۹، لوحه ۱: ۱، کرمان		
8	1. Jasim, 2001, P: 110, Fig9: 11, Mleiha		
9	1. Jasim, 2001, P: 110, Fig9: 11, Mleiha		
10	۲. صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴، طرح ۶، تم مارون ۳. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۶، شکل ۴: ۳		



		۱. هرینک، ۱۳۷۶: ۳۲۱، شکل ۳۶: ۷، قلعه سام	11
		1. Decardi, 1972, p: 56, Fig9: 45, Northern Oman	12
		۱. سید سجادی، ۱۳۷۰: ۴۶، لوحه ۱۵، کرمان ۲. Dupree, 1958, p:219, Fig41: j, Shamshir ghar	13
		۱. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۰، شکل ۸: ۲، کهورلنگرچینی	14
		1. Decardi, 1972, p: 56, Fig9: 45, Northern Oman	15
		1. Karlovsky, 1967- 1969, fig 5.21: c, Tape Yahya 2. Wheeler, 1962, p: 80, fig.37: 340, Charsada	16
		۱. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۰، شکل ۸: ۴، کهورلنگرچینی	17
		۱. صادقی، ۱۳۹۲: ۱۲۷، طرح ۴-۱۶، تم مارون	18
		1. Hojabari-Nobari, et.al, 2011, p:103, Fig.4: 4, Qeshm	19
		1. Decardi, 1972, P: 56, Fig9: 41, Northern Oman	20
		۱. مهرآفرین و دیگران، ۱۳۹۱، طرح ۱۲: ۱۹، بلوچستان	21
		۱. فرجامی، ۱۳۹۲: ۱۷، شکل ۶: ۲، قلعه نهبندان خراسان 2. Karlovsky & Humphrie, 1968, Fig.2: 1, Tape Yahya 3. Decardi, 1972, p: 56, Fig9: 43, Northern Oman 4. Wheeler, 1962, p:72 fig.30: 264, Charsada	22
		۱. خسروزاده، ب ۱۳۸۳: ۱۶۹، طرح ۴: ۴، بردسیر	23

 <p>24</p>	 <p>24</p>	<p>۱. خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۴، شکل ۱۰: ۱۰، قشم</p>	<p>24</p>
 <p>25</p>	 <p>25</p>	<p>۲. شهسواری، زیرچاپ: شکل ۱۴: ۱، هلیل‌رود ۳. خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۳، شکل ۹: ۳، قشم</p>	<p>25</p>
 <p>26</p>	 <p>26</p>	<p>۱. علایی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۰۴، شکل ۵-۹: ۴۸، قلعه کولک</p>	<p>26</p>
 <p>27</p>	 <p>27</p>	<p>۱. علایی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۰، شکل ۲۵: ۵، قلعه کولک 2. Jasim, 2006, p: 226, fig30: 2, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates 3. Dupree, 1985, p: 330, Fig43: c, Shamshir ghar</p>	<p>27</p>
 <p>28</p>	 <p>28</p>	<p>۱. صادقی، ۱۳۹۱: ۱۲۶، طرح ۴-۱۳، تم مارون</p>	<p>28</p>
 <p>29</p>	 <p>29</p>	<p>۱. علایی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۰، شکل ۲۵: ۵، قلعه کولک</p>	<p>29</p>
 <p>30</p>	 <p>30</p>	<p>۱. صادقی، ۱۳۹۲: ۱۲۶، طرح ۴-۱۳، تم مارون</p>	<p>30</p>
 <p>31</p>	 <p>31</p>	<p>1. Jasim, 2006, p:225, fig29: 7, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates 2. Dupree, 1958, p: 223, Fig 46: a, Shamshir ghar</p>	<p>31</p>
 <p>32</p>	 <p>32</p>	<p>۱. خسروزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۰، شکل ۸: ۷، بردسیر</p>	<p>32</p>
 <p>33</p>	 <p>33</p>	<p>۱. صادقی، ۱۳۹۲: ، طرح ۱۰، تم مارون خلیج فارس</p>	<p>33</p>
 <p>34</p>	 <p>34</p>	<p>1. Jasim, 2006, p: 225, fig29: 8, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates</p>	<p>34</p>
 <p>35</p>	 <p>35</p>	<p>1. Basafa, 2008, p: 206, Pl.24: 2, Dambakoh</p>	<p>35</p>

		۱. علایی مقدم، ۱۳۹۴: ۹۱، شکل: ۳۵، قلعه کولک	36
		1. Decardi, 1972, p: 21, Fig8: 27, Northern Oman	37
		1. Jasim, 2006, p: 225, fig29: 8, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates 2. Wheeler, 1962, p: 69, fig.28: 30, Charsada	38
		1. Jasim, 2001, p: 120, Fig.25: 7, Mleiha	39
		۱. علایی مقدم، ۱۳۹۴: ۹۱، شکل ۴: ۲۸، قلعه کولک ۲. خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۳، شکل ۹: ۱، قشم 3. Jasim, 2001, p: 119, Fig.24: 7, Mleiha	40
		۱. خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۳، شکل ۹: ۷، قشم	41
		۱. خسروزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۰، شکل ۸: ۱۳، بردسیر	42
		۱. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۷، شکل ۵: ۸، کهورلنگرچینی	43
		1. Jasim, 2001, P: 114, Fig.19: 13, Mleiha	44
		۱. علایی مقدم، ۱۳۹۴: ۹۱، شکل ۴: ۳۲، قلعه کولک ۲. هرینک، ۱۳۷۶: ۲۳۷، شکل ۱۴: ۶، قلعه سام 3. Mehrafarin, et.al, 2011, p: 60, fig10: No.4, Koohe Khajeh	45
		1. Wheeler, 1962, p: 50, fig.15: 43, Charsada	46
		۱. صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴، طرح ۷، تم مارون خلیج فارس	47
		۱. فرجامی، ۱۳۹۲: ۲۱، شکل ۱۰: ۱۰، قلعه گیو خراسان	48

 49	 49	۱. فرجامی، ۱۳۹۲: ۱۵، شکل ۴: ۳، کلاته شاپوری خراسان 2. Decardi, 1972, P: 65, Fig 11: 169, Northern Oman	49
 50	 50	۱. سیدسجادی، ۱۳۷۰: ۴۱، لوحه ۶: ۴، کرمان ۲. خسروزاده، الف ۱۳۸۳: ۱۵۱، طرح ۵: ۷، بردسیر 3. Jasim, 2006, P: 225, Fig 29: 7, Dibba, Sharjah, United Arab Emirates	50
 51	 52	۲. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۷، شکل ۵: ۵، کهورلنگرچینی	51
 52	 53	۱. مهرآفرین، ۱۳۸۵: ۱۸۶، شکل ۱۹، تپه گوری ۲. شهبسوار، زیر چاپ: ۱۴، شکل ۱: ۱۱، هلیل رود	52
 53	 52	1. Basafa, 2008, P: 203, PL21: 13, Dambakoh	53
 54	 54	1. Basafa, 2008, P: 203, PL21: 13, Dambakoh	54
 55	 55	۱. شهبسوار، زیر چاپ: ۱۵، شکل ۲: ۵، هلیل رود 2. Bernard, 1967, Fig. 7, Ai Khanom	55
 56	 56	۱. علایی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۱۶، شکل ۵-۲۱: ۲۸، قلعه کولک	56
 57	 57	۱. خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۷، شکل ۵: ۱، کهورلنگرچینی	57
 58	 58	۱. گاراژیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۹، شکل ۲۳، قلعه خان خراسان	58
 59	 59	1. Decardi, 1972, P: 56, Fig 9: 100, Northern Oman	59
 60	 60	1. گاراژیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۹، شکل ۲۳، قلعه خان خراسان	60

## نتیجه‌گیری

سیستان و بلوچستان در دوره‌ی اشکانی با توجه به موقعیت راهبردی خود اهمیت زیادی دارد. به‌طوری‌که مورخان از سیستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ایالت‌های

حکومت اشکانی نام برده و بلوچستان را از ایالت‌های تابعه به‌شمار می‌آورند. با توجه به اهمیت ذکر شده طبیعی است که ارتباط فرهنگی و اجتماعی با سایر مناطق وجود داشته باشد. شهرستان خاش در مرکز استان سیستان و

می‌شود. اکثر این محوطه‌ها در مسیر ارتباطی کوچ‌روها واقع شده‌اند و محوطه‌هایی با ساختار تپه یا قلعه به‌ندرت دیده می‌شود. این محوطه‌ها دارای لایه‌های باستانی کمی هستند. به‌نحوی که ارتفاع این محوطه‌ها به‌ندرت به یک متر می‌رسد. این امر به این دلیل است که بستر محیطی و توانایی‌های زیست‌محیطی در منطقه شهرستان خاش اجازه‌ی استقرارهای دائم را نمی‌دهد. نتایج حاصل از گونه‌شناختی همچنین نشانگر آن است که بخش شمالی بلوچستان (شهرستان خاش) در طول دوره اشکانی با مناطق بلوچستان جنوبی، سیستان، کرمان، خراسان، حوزه خلیج فارس و دریای عمان، افغانستان و پاکستان ارتباط فرهنگی داشته است که این ارتباط با دو منطقه سیستان و بلوچستان جنوبی به‌دلیل نزدیکی به این حوزه نسبت به دیگر مناطق بیشتر است. وجود تشابهات سفالی بیشتر به محوطه‌های سیستان و بلوچستان بیانگر این مسئله است که ارتباطات درون منطقه‌ای بیشتر بوده است. از بین مناطق همجوار بیشترین تشابه با محوطه‌های حوزه خلیج فارس و دریای عمان (کهورلنگرچینی، ملیحا، دیبا، شارجه- امارات و شمال عمان) سپس با محوطه‌های استان کرمان (زهکوت، تم خرگ رودبار، بردسیر و تپه یحیی) است. کمترین تشابه با محوطه‌های قلعه خان، قلعه گیو، گبری مود، نهبندان و کلاته شاپوری در خراسان است به‌طوری‌که با برخی از این محوطه‌ها فقط یک ارجاع صورت گرفته است. همچنین طبق مطالعات انجام شده بیشترین ارتباط فرامنطقه‌ای بخش شمالی بلوچستان (شهرستان خاش) با پاکستان (محوطه‌ی چارسدا) سپس با افغانستان (محوطه‌های شمشیرغار، نادعلی و آی‌خانم) است. در خصوص میزان ارتباطات منطقه بلوچستان شمالی (شهرستان خاش) با مناطق همجوار، می‌توان ذکر کرد که منطقه بلوچستان از دیرباز به‌عنوان دروازه شبه قاره هند به‌حساب آمده همچنین بسیاری از راه‌های باستانی، کوچ‌روی و دشت‌ها در منطقه بلوچستان در ارتباط با دشت‌های پاکستان و شبه قاره بوده است. از این رو این دو عامل باعث شده که بیشترین ارتباطات منطقه بلوچستان شمالی با مناطق شرقی و جنوبی خود یعنی دو حوزه پاکستان و خلیج فارس باشد و در خصوص کمترین ارتباطات این حوزه‌ی فرهنگی با ناحیه شمال شرق ایران احتمالاً به‌دلیل موانع طبیعی است. همان‌طور که در بالا ذکر شد علاوه بر داده‌های سفالی، از دیگر داده‌های باستان‌شناسی که نشان

بلوچستان واقع شده است. بر اساس تحلیل ویژگی‌های کمی و کیفی مطالعات آماری که بر روی سفال‌های به‌دست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان خاش موجود در مخزن موزه منطقه‌ای جنوب شرق در زاهدان صورت گرفته، می‌توان گفت که این منطقه احتمالاً در دوره اشکانی نقش واسطه‌ای در تجارت بین شرق و غرب داشته است و این مهم نشان از ارتباطات فرهنگی گسترده‌ای در این منطقه است. نظر به این که مجموع سفالی مورد مطالعه در این پژوهش از محوطه‌های بررسی شده به‌دست آمده‌اند، بنابراین تاریخ‌گذاری آن‌ها نسبی است. از سویی با اتکا به مطالعات آماری، گونه‌شناسی، مقایسه گونه‌شناختی، تحلیل سفال‌ها، می‌توان گفت که این نمونه‌ها متعلق به دوره‌ی اشکانی هستند. تجزیه و تحلیل سفال‌ها نشان داد که سفال‌های این شهرستان همگی چرخ‌ساز بوده و اکثر آن‌ها پخت کافی دارند، همچنین کیفیت ساخت بیشتر این سفال‌ها متوسط است و نسبت به دیگر مناطق ظرافت کمتری دارند. سفال غالب اشکانی در بلوچستان شمالی (شهرستان خاش)، سفال ساده با خمیره نخودی، آجری، قرمز، خاکستری و سیاه بوده و رنگ آجری بیشترین رنگ خمیره استفاده شده در این سفال‌ها است. از میان انواع مختلف فنون تزئینی، سفال‌های مورد مطالعه، سه نوع تزئینی شامل نقاشی، نقش‌کننده و داغ‌دار بر روی سفال‌ها وجود دارد و در میان سفال‌های مزین، بیشترین تزئین، به‌صورت نقاشی است. تمامی نقش‌مایه‌ها از نوع هندسی بوده و اغلب نقش‌مایه‌های به‌کار رفته نوار افقی سیاه‌رنگ است. در برخی موارد تشابه فرم‌ها و نوع تزئین با دوره‌های قبل و بعد (هخامنشی، ساسانی و حتی دوره‌ی اسلامی) نشانگر تداوم استقرار محوطه‌ها در دوره‌های متفاوت و یا استفاده از فن ساخت گونه‌های سفالی یکسان است. طبق مطالعات گونه‌شناسی فرم ظروف در این دوره شامل کوزه، خمره، کاسه، تغار، دیگ، بشقاب، لیوان، تنگ، پیاله و جام است. اگرچه فرم تعداد زیادی از قطعات به‌دلیل شکستگی زیاد و ناقص بودن غیر قابل تشخیص است. پراکندگی تعداد سفال‌ها در محوطه‌های حوزه مذکور به‌طور تقریبی وضعیت یکسانی ندارد، چنان‌که در برخی محوطه‌ها تعداد سفال‌ها بسیار زیاد است و در برخی از محوطه‌ها فقط یک سفال یافت شده است. معمولاً بیشترین پراکندگی سفال‌ها، در محوطه‌هایی که ساختاری از نوع قبور دمبی و سنگچین دوره‌ی اشکانی است، یافت

### پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه تطبیقی سفال‌های اشکانی مکشوفه از بررسی باستان‌شناسی بخش شمالی بلوچستان (مطالعه موردی: شهرستان خاش)» با راهنمایی دکتر زهره جوزی است.  
2. Gedrosia

از ارتباطات بین منطقه بلوچستان شمالی (شهرستان خاش) با مناطق هم‌جوار را نشان می‌دهد می‌توان به قبور سنگ‌چین اشاره کرد (هاشمی زرج‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۳). این نوع قبور در منطقه‌ی گسترده‌ای از بلوچستان پاکستان، بلوچستان ایران و عمان از عصر مفرغ تا دوران تاریخی وجود داشته است.

### منابع

- ۱- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳)، نگاهی به سیستان و بلوچستان، تهران: کتابدار.
- ۲- اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران (۱۳۹۳)، چاپ اول، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- ۳- برقی، محمد (۱۳۵۶)، نظری به بلوچستان، تهران: انتشارات مازیار.
- ۴- جوزی، زهره، گزارش تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه دمبیگان شهرستان قصفند، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- ۵- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۶)، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران، تهران: کومش.
- ۶- طرح جامع شهر خاش (مطالعات منطقه و حوزه نفوذ)، (۱۳۸۷)، مهندسان مشاور پیشاهنگان آمایش، سیستان و بلوچستان: سازمان مسکن و شهرسازی.
- ۷- خسروزاده، علیرضا؛ عالی، ابوالفضل؛ کنت، درک؛ پرستم، وست (۱۳۸۵)، کهورلنرچینی، بندرگاهی اشکانی بر ساحل خلیج فارس، گزارش‌های باستان‌شناسی (۵)، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، چاپ نخست، صص ۵۵ تا ۷۰.
- ۸- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۳ الف)، گزارش بررسی شهرستان بردسیر، پژوهشکده باستان‌شناسی، فصل دوم، تهران، صص ۱۵۹ تا ۱۷۶.
- ۹- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۳ ب)، گزارش توصیفی، مقدماتی فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان بردسیر، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳)، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، تهران، چاپ نخست، صص ۱۳۳ تا ۱۵۴.
- ۱۰- خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۲)، محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره قشم، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بوعلی همدان، دوره ۳، شماره ۵، صص ۷۹ تا ۱۰۰.
- ۱۱- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۶)، مروری بر گورهای سنگچین جنوب شرق ایران، نامه پژوهشگاه، شماره‌های ۲۰ و ۲۱، پاییز و زمستان، صص ۸۹ تا ۱۰۱.
- ۱۲- سرلک، سیامک (۱۳۸۷)، گزارش نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه نخل ابراهیمی (مغ بریمی) شهرستان میناب استان هرمزگان، مجله پارسه گرد، سال هفتم، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۲۸ تا ۴۵.
- ۱۳- سید سجادی، سیدمنصور (۱۳۷۰)، معرفی دو گونه سفال جدید از کرمان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره دوم، مرکز نشر دانشگاهی، بهار و تابستان، صص ۳۸ تا ۵۱.
- ۱۴- شهسواری، میثم (زیر چاپ)، معرفی چند گونه‌ی سفالی متعلق به دوره‌ی تاریخی از حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود.
- ۱۵- شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۸)، گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان نیک‌شهر و چابهار، محفوظ در آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
- ۱۶- صادقی، نسیم (۱۳۹۱)، خلیج فارس قلب تپنده‌ی اشکانی (بررسی و آنالیز سفال‌های اشکانی محوطه‌ی تم مارون در استان هرمزگان)، همایش ملی باستان‌شناسان ایران، دانشگاه هنر بیرجند، ایران، صص ۱ تا ۱۹.
- ۱۷- علایی‌مقدم، جواد (۱۳۹۳)، گزارش کاوش در تپه قلعه کولک سیستان (فصل اول: لایه‌نگاری)، سازمان میراث فرهنگی، زاهدان: صنایع دستی گردشگری استان سیستان و بلوچستان.

- ۱۸- علایی‌مقدم، جواد (۱۳۹۴)، بررسی ساختار ارتباطی و اجتماعی خرده منطقه‌ای دوران اشکانی بر اساس مطالعات باستان‌شناسی، مطالعه موردی: مجموعه محوطه‌های اشکانی منطقه کولک سیستان، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۸، صص ۷۹ تا ۸۹.
- ۱۹- فرجامی، محمد (۱۳۹۲)، گسترش سفال لوندو در محدوده خراسان جنوبی، همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، ایران، صص ۱ تا ۲۴.
- ۲۰- قادری، علیرضا؛ حیدری، نوذر؛ (۱۳۸۸)، گزارش مقدماتی بررسی شهرستان خاش (بخش مرکزی)، زاهدان، محفوظ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۱- قادری، علیرضا؛ حیدری، نوذر؛ (۱۳۸۸)، گزارش مقدماتی بررسی شهرستان خاش (بخش نوک‌آباد)، زاهدان، محفوظ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۲- قادری، علیرضا؛ حیدری، نوذر؛ (۱۳۸۸)، گزارش مقدماتی بررسی شهرستان خاش (بخش ایرندگان)، زاهدان، محفوظ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۳- گاراژیان، عمران؛ جعفری، جواد؛ هژبری، علی؛ (۱۳۸۹)، گزارش پژوهش‌های باستان‌شناسی به‌منظور مستندسازی ساختار-های معماری تپه قلعه خان سملقان خراسان، با تأکید بر دوره تاریخی، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره سوم، سال دوم، بهار و تابستان، صص ۱۹۹-۱۶۱.
- ۲۴- مرادی، حسین، سرحدی، حسین، گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان سراوان، محفوظ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، چاپ نشده، ۱۳۸۷.
- ۲۵- مهرآفرین، رضا (۱۳۸۶)، حفاری و گمانه‌زنی تپه گوری سیستان، گزارش باستان‌شناسی، شماره ۳، پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، صص ۳۱۳ تا ۳۳۴.
- ۲۶- مهرآفرین، رضا؛ موسوی‌حاجی، سید رسول؛ (۱۳۸۵)، تپه گوری کهنه (یک محوطه‌ی اشکانی در سیستان)، مجله‌ی تاریخ و علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۶۳ تا ۱۸۹.
- ۲۷- مهرآفرین، رضا؛ علیزاده، فاطمه و شیرازی، روح‌الله؛ (۱۳۹۱)، سفال مکران در دوره اشکانی و همگونی‌های آن با مناطق همجوار، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان، صص ۷ تا ۲۴.
- ۲۸- موسی‌پور نگاری، فریبا، (۱۳۹۹)، گزارش مقدماتی بررسی استقرارهای اطراف کوه پنج انگشتی شهرستان خاش، محفوظ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، زاهدان: صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۹- هاشمی زرج‌آباد، حسن، روح‌الله شیرازی، سامان فرزین و مریم ظهوریان؛ (۱۳۹۳)، نویافته‌هایی از تدفین‌های سنگی در مکران ایران (شهرستان‌های نیکشهر و چابهار)، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۹۵ تا ۱۱۳.
- 30- Basafa, H (2008), A New perspective on Damba Koh site In south East Iran, *Irani Antiqua*, XLIII, pp: 185-204.
- 31- Bernard, P (1967), *Ai Khanoum On The Oxus: A Hellenistic City In Central Asia*, Archaeological Lecture, from the Proceeding of the British Academy, Volume LIII, Oxford University Press, London, pp: 71-95.
- 32- Burney, C.A. (1964), *The excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1962: Third Preliminary Report*, *Iraq*, Vol.26, pp: 54-61.
- 33- Dales. G.f (1977), *New Excavations at Nad-ALI (Sorkh Dagh), Afghanistan*, Research monograph series, NO.16 February.
- 34- Decardi, B (1972), Claudio Vita-Finzi and Anne Coles, *Archaeological survey in Northern Oman*, pp: 9-75.
- 35- Dupree, I (1958), *Shamshir Ghar, Historic Cave site in Kandahar province Afghanistan*, Anthropological papers of the American Museum of Natural History, Vol.46, part 1.
- 36- Karlovsky, L (1967), *Archaeology and Metallurgical Technology in Prehistoric Afghanistan, India, and Pakistan*, *American Anthropologist*: 145-162.
- 37- Karlovsky, L (1968), Humphries, J, *The cairn Burials of south eastern Iran, East and west* 18, pp: 269- 276.
- 38- Jasim, S (2006), *Trade centers and commercial routes in the Arabian Gulf: post-Hellenistic discoveries at Dibba, Sharjah, United Emirates*, *Arabian archaeology and epigraphy*, pp: 214-237.
- 39- Jasim, S (2001), *Excavations at Mleiha, Arabian archaeology and epigraphy*, pp: 103-135.
- 40- Lecomte. O (1993), *Ed-Dur, Lesoccupations des 3e et 4es. ap.J.C, Contextedes trouvailleset mate vieldiayhstique*, *Deutsches Archaologisches Institut Abteilung Baghdad*. pp: 195-217.

- 41- Moghadam, A, and Miri, N (2003), Archaeological research in the Minab of lowland Susiana, south-western, Iran, pp: 99-137.
- 42-Sheikhakbari, S, Sarhaddi-Dadian, H, Amirhajloo, S, and Daneshi, A (2015) Comparative Study of Pottery Industry in Zeh-Klout, Historical Period in Roudbar-Kerman with Its Neighboring Cultures Based on the New Archaeological Evidences, International Journal of Archaeology, pp: 22-32.
- 43- Wheeler, Sir Mortimer (1962), Charsada, oxford university press, London.
- 44 - www.gsi.ir (26/05/2020)